



نگاهی به اجراهای تلویزیونی  
استاد محسن قرآنی

## روحانی محبوب

فاطمه شیرازی

مذهبی در مراکز دینی نظیر مشهد، قم و شهر ری به شدت رونق بیابد. در واقع نشریات این چنینی و نوارفروشی‌های مذهبی خلا کمبود رسانه‌های مدرن مذهبی را تا حدودی پر می‌کردند. نگارنده البته منبر را یکی از مهم‌ترین رسانه‌های مذهبی می‌داند که جای بحث دارد. نگارنده همچنین به‌خاطر دارد که در آن سال‌ها، که خرید و فروش نوارهای موسیقی - به دلیل شدت ابتذال آن‌ها که البته لایه‌هایشان آثار مفید و باارزشی نیز دیده می‌شد - امری مذموم و در نزد بیشتر مراجع و مقلدان آن‌ها حرام شمرده می‌شد. در کنار این‌ها می‌شد نوارفروشی‌های مذهبی‌ای را دید که در مکان‌های مقدس، به عرضه سخنرانی‌های واعظان و مداحان اهل بیت (ع) مشغول بودند. از میان روحانیان همواره کار مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ احمد کافی با اقبال زیادی مواجه می‌شد. او با بیان گرم و شیرینش منبری تمام‌عیاری محسوب می‌شد. متأسفانه در نخستین ماه‌های شروع نهضت دینی مردم ایران، این روحانی در ساحت‌های مشکوک رخت از جهان بریست؛ در حالی که سال‌هاست آثار صوتی او دست به دست در میان مردم می‌گردد. مرحوم کافی هنوز هم منبری نمونه‌ای است و به کار او می‌توان - مانند راشد - از دیدگاه‌های مختلفی نگاه کرد. کافی قصه‌گویی بود که به‌خوبی می‌دانست چگونه مخاطب را با خود همراه کند و او را تا پایان با خود بکشاند. در لابه‌لای قصه نیز از صدا و آواز نسبتاً دلنشینش شنونده را بی‌نصیب نمی‌گذاشت. عجیب این که فقدان او درست با وقوع انقلاب همزمان شد که ظهور پدیده‌های دیگر را در عرصه رسانه در پی داشت. این روحانی کسی نبود جز محسن قرآنی که این باز مردم به‌صورت توامان با چهره و صدایش - از خود تلویزیون - روبه‌رو می‌شدند.

مذهبی‌شان پخش می‌شد. طبیعی است که در آن فضا کوچک‌ترین امکان برای حضور رادیویی افرادی که سر سوزنی با دستگاه مشکل داشتند؛ وجود نداشت. به‌علاوه این‌که از مباحثی چون جهاد و مبارزه که از فروع دین اسلام به‌شمار می‌روند نیز نمی‌شد صحبت کرد. در چنین شرایطی و با وجود مظاهر آشکار فساد و ابتذال در برنامه‌های رادیو - به‌ویژه تلویزیون - این رسانه از طرف قاطبه روحانیت معظم، حرام شمرده می‌شد. این خلاء باعث می‌شد از سویی دوست‌داران و علاقه‌مندان به معارف اسلامی به نشریاتی چون «مکتب اسلام» - که در قم زیر نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی منتشر می‌شد - روی آورند و از سویی دیگر بساط عرضه و انتشار نوارهای

جمع «دین و رسانه» تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی، میحی بود که تا حدود زیادی غیر ممکن و عجیب به نظر می‌رسید. حضور دین در رسانه در تمامی آن سال‌ها، نه تنها به پخش آذان، مناجات و مرثیه‌خوانی - به‌ویژه در ماه‌های رمضان، محرم و صفر - محدود می‌شد. به‌علاوه سخنرانی‌هایی نیز از برخی روحانیان وقت - که از نظر دستگاه حکومتی بی‌ضرر تشخیص داده می‌شدند - پخش می‌شد. از مشهورترین این روحانیان می‌توان از «مرحوم راشد» نام برد. که کار ایشان در جای خود، بسیار ارزش بررسی و بحث دارد. افرادی چون «نوقانی» نیز بودند که هر روز بین ساعت سیزده تا چهارده - پیش از اخبار نیم‌روز - و یا در زمان‌های دیگر سخنران

محسن قرآنی به روایتی با سابقه‌ترین مجری تلویزیونی در سیمای جمهوری اسلامی ایران است. او تقریباً از نخستین ماه‌های تولد انقلابی صدا و سیمای متناسب و هم‌شان با نظام حکومتی دینی در ایران، کارش را شروع کرد. هنوز جوان بود و با چشمان مهربان و کلام شیرین کاشانی‌اش، انبوه تماشاگران را مجذوب درس‌هایی از قرآن کرد. در آن زمان بینندگان تلویزیون - با تعریف و محتوای جدیدش - به دو دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول گروهی عظیم که با رفع حرمت و ازاله محرمات از این رسانه، با آغوش باز استقبال کردند و دسته دوم کسانی که خسته و دل‌زده از ابتذال شدید و مدرنیزم دروغین و وارداتی رادیو و تلویزیون ملی ایران در رژیم گذشته تشنه برنامه‌هایی پاک و منزّه با مضامین ایرانی - اسلامی و مذهبی - سنتی - ملی بودند. هر دو این گروه پنج‌شنبه شب‌ها، ساعتی پس از اذان مغرب پای تلویزیون می‌نشستند و به درس‌های روحانی‌ای گوش می‌دادند که با زبانی ساده، پیچیده‌ترین آموزه‌های قرآنی را به آنان انتقال می‌داد. او تا به‌رهای اندک و البته مکفی - از هنر بازیگری و بازی کردن ناخودآگاه با میمیک صورتش بیشترین جذابیت را درست در هنگامی ایجاد می‌کرد که لطیفه یا حکایتی را جاشنی کار خود قرار می‌داد. در کنار این‌ها احادیث و آیات مورد بحث را با گچ، بر تخته‌سیاه می‌نوشت و با تأکیدهای مکرر دوربین برای نوشته‌ها، متن حدیث یا آیه به‌خوبی در ذهن مخاطب نقش می‌یست. مدتی بعد با فرارسیدن ماه مبارک رمضان، قرآنی جلسات هفتگی‌اش را به سنی برنامه در سنی شب از این ماه عزیز گسترش داد. این سنت حسنه تا امروز ادامه یافته است. (گویا در تمامی این سال‌ها فقط در یک ماه رمضان، تلویزیون از برنامه درس‌هایی از قرآن بی‌نیصیب بوده است) قرآنی که اینک در دهه هفتم عمر پربارش می‌زند، تاکنون افزون بر دو هزار برنامه قرآنی و جذاب را به مردم هدیه کرده است. جذابیت بیان او و میزان معلوماتش در این تعداد فراوان برنامه به حدی است که کمتر نکته تکراری‌ای را بر زبان می‌راند. از طرفی نفس حضور موقش در تمامی این سال‌ها بر همان اصلی صحه می‌گذارد که می‌گوید بی‌تردید یکی از رموز تداوم موفقیت و جذابیت رسانه‌های مجری یا بازیگر آن هم به مدتی مدید و طولانی، خوب بودن آن شخص است. چرا که آدم‌های خوب، بی‌آن که بکوشند، خود به‌خود شیرین و جذاب‌اند و بر دل می‌نشینند. قرآنی با تجربه حضور سه دهه‌ای در تلویزیون، دیگر به‌خوبی جنس تصویر و حضور در قاب آن را شناخته و کارش را سیقل داده است. نکته مهم‌تر این‌که با همه محبوبیت و شهرتی که قرآنی در این سال‌ها پیدا کرده و به آن تداوم بخشیده، هیچ‌گاه نکوشیده است تا از قالب معلمی خود خارج شود. او همواره با عالی‌ترین مقامات نظام، محشور و مانوس بوده و می‌توانسته است بر بست‌ها و سمت‌های انتخابی و انتصابی زیادی تکیه زند، اما تنها به مدیریت نهضت سوادآموزی اکتفا کرده که آن هم از معلمی - شغل انبیا - جدا نیست.



نگار: محسن قرآنی

در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان سال قبل، قرآنی - که هیچ‌ایابی از زدن سوزن به دیگران و جوالدوز به خود ندارد - با صراحت از معبود افرادی که صدای او را تقلید می‌کنند، اعلام رضایت کرد و موضوع را - نقل به مضمون - این چنین بیان کرد: من از هیچ یک از کسانی که صدایم را تقلید می‌کنند یا برای همدیگر SMSهایی مربوط به این جانب ارسال می‌کنند، گله‌ای ندارم. خواهش م‌کنم این است که نکند یک وقت خدای ناکرده، به بهانه شوخی با صدا و شخصیت من، حیطة کارشان را به تمسخر و استهزاء مقدسات بکشانند. او با درایت زیاد و در عین مسامحه، حق خود را واگذاشت و بر ادای حرمت خوان گسترده معنویت که خود سال‌هاست بر سر آن نشسته و دیگران را نیز از آن بهره‌مند می‌کند؛ تأکید ورزید. اما نکته مهم و خلا بزرگ این است که با همه جا افتادن و تداوم کار قرآنی، کارهای فنی و تصویری مربوط به برنامه درس‌هایی از قرآن سال‌هاست که پیشرفت چندانی نکرده و به زور تکنیک‌های تلویزیونی روز آراسته نشده است. به راستی اگر نظیر این برنامه در هر جای دیگر دنیا با چنین استقبالی روبه‌رو می‌شد، متولیان شبکه تلویزیونی مربوطه با سرمایه‌گذاری‌های مالی - انسانی وسیع‌تر، در بهبود کیفی و فنی آن بیشتر می‌کوشیدند. کوشش‌هایی از نوع قرآنی قاری قرآن با صوت و لحن، در لابه‌لای سخنرانی استاد، که در سال‌های اخیر به برنامه افزوده شده، البته لازم است؛ اما کافی نیست. خوب است که برنامه‌سازان با انداختن طرحی نو، کلام و بیانات پرمغز، شیرین و غنی استاد محسن قرآنی را - آن چنان که شایسته است - پوششی تصویری و رسانه‌ای ببخشند. چرا که این دستاورد

کمی نیست که برنامه او همچنان - و در سال ۲۰۰۷ میلادی و در عصر سلطه رسانه‌های ریز و درشت - تنها به یمن و لطف حضور خودش جذاب و پرکشش می‌نماید. کشش و جذابیتی که بیش از هر چیز، برآمده از رونوشت برابر اصل بشودن قرآنی است. او نه تنها شبیه هیچ‌کس نیست؛ که خود در رسانه‌های به نام سیمای، یک مجری مذهبی منحصر به فرد به‌شمار می‌آید. فراموش نکنیم ادا و اطوارهای برخی مجریان جوان و امروزی تلویزیون را که وقتی در برنامه‌های مناسبی و اصلاً مذهبی، در قالب بیان مفاهیم دینی قرار می‌گیرند، تا چه حد نجسب و تصنعی به نظر می‌رسند. نگارنده به‌هیچ‌وجه قصد زیر سؤال بردن باورها و سایر مسائل مربوط به این مجریان را ندارد؛ بلکه از نظر این حقیر نفس حضور آنان - که گاه با سُر و ظاهری عجیب و نامتناسب با فضای محتوایی برنامه در مقابل دوربین حاضر می‌شوند - در پارادوکس کامل با آن مفاهیم قرار دارد. (فراموش نکنیم که واژه نامتناسب با نامتناسب تفاوت بسیار دارد و نگارنده قصد ندارد در زمینه اخیر - مناسب بودن یا نبودن - بحث کند. در این‌جا فقط صحبت از تناسب است که در مورد استاد قرآنی، این مسئله در اعلی درجه خود قرار دارد. یعنی زمینه‌های مورد بحث برنامه‌های نظیر درس‌هایی از قرآن از نظر نفس حضور، اجرا و مفاهیمی که تدریس می‌شوند هم‌خوانی کاملی با ویژگی‌های ظاهری - و صد البته درونی - استاد دارد. این بحث را که بسیار گسترده است و نیز می‌توان از منظرهای گوناگون بدان پرداخت - به صاحب‌نظران واگذار می‌کنیم. ■